

تاریخ اجتماعی شیعیان در نیمه اول قرن هفتم هجری

محمدجواد یاوری سرتختی / دانشجوی دکتری تاریخ تشیع مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

javadyavari@yahoo.com

پذیرش: ۹۴/۱۲/۵

دریافت: ۹۴/۶/۱۹

چکیده

تحقیق حاضر درباره تاریخ اجتماعی اقوام و جوامع گذشته، رویکردی جدید در تاریخ‌نگاری است که برخلاف سبک سنتی تاریخ‌نگاری، عهده‌دار کشف لایه‌های پنهان، بررسی سبک زندگی، ارتباطات و نوع تفکر انسان‌های پیشین است. بنابراین، فهم زندگی اجتماعی مردم مبتنی به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره است. از این رو، با توجه به تحولات تاریخی قرن هفتم، این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی به وضعیت اجتماعی و سبک زندگی عوامل مؤثر و مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و عراق در نیمه اول قرن هفتم هجری می‌پردازد. در این دوره، در پی اتفاقات و تحولات سیاسی و اجتماعی، زندگی اجتماعی شیعیان تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته و شیعیان برای استمرار حیات اجتماعی خود از نهادهای اجتماعی همچون نقابت، مرجعیت و آموزش و پرورش بهره بردند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اجتماعی، سبک زندگی، شیعه، مؤلفه‌ها، آداب و رسوم.

مقدمه

در گذشته، شیوه نگارش تاریخ، وجوه مختلف جامعه را به صورت خاص در همه عرصه‌های حضوری و فعالیت‌های انسانی مورد توجه قرار نمی‌داد و برای آن ضرورتی احساس نمی‌کرد. اما با نگاه جدید اندیشمندان و مورخان عصر حاضر به تاریخ در توجه به تمام عرصه‌های فعالیت‌های انسانی، باعث شد تا نگرشی جدیدی با عنوان «تاریخ اجتماعی» در تاریخ‌نگاری پدید آید. این نوع تاریخ‌نگاری روابط بین همه انسان‌ها را مورد توجه قرار داده و در مقام تدوین حوادث تاریخی برخلاف شیوه سنتی به چهره‌های شاخص توجه نمی‌کند، بلکه لایه‌های زیرین جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد.

تعریف تاریخ اجتماعی

تاریخ اجتماعی «گونه‌ای تاریخ‌نگاری است که نگاهی به وضعیت و سبک زندگی اقشار مختلف مردم دارد و عنصر سیاست از آن عاری است (گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۲۰۲). تعاریف دیگر تاریخ اجتماعی، تعریف به رسم است و ویژگی‌هایی را برای آن بیان می‌کنند:

الف. تاریخ اجتماعی، نوعی تاریخ‌نگاری است که نگاه خرد و ریز به تاریخ دارد.

ب. روابط بین همه انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و در مقام تدوین حوادث تاریخی برخلاف شیوه سنتی به چهره‌های شاخص توجه نمی‌کند، بلکه لایه‌های زیرین زندگی انسان‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد.

ج. تاریخ‌نگاری اجتماعی به جای توجه به ابعاد شناخته‌شده، متوجه ابعاد ناشناخته حوادث است.

از مجموع این ویژگی‌ها، می‌توان چنین نتیجه گرفت: تاریخ اجتماعی یک نوع فهم از تاریخ است که در مقام تحلیل و تبیین حوادث به گرایش‌های فکری و ویژگی‌های اخلاقی، سبک و سیاق زندگی عامه مردم به عنوان یک عامل اثرگذار بر روند حوادث تکیه می‌کند. به عبارت دیگر، تاریخ اجتماعی گونه‌ای خاص از

تاریخ اجتماعی بعد خاصی از تاریخ و نتیجه یک فرایند فکری، پس از عصر نوزایی (رنسانس) به حساب می‌آید. تحول مهم رنسانس همان‌گونه که بر بسیاری از ابعاد زیستی و فکری تأثیر گذاشت، تاریخ را نیز متحول ساخت. البته رسیدن به مرحله تاریخ اجتماعی پس از چند مرحله دگرگونی فکری در عرصه تاریخ و تحولات جامعه صورت گرفته است. تاریخ اجتماعی بر ایند مکتب آنال (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: بهرامی، بی‌تا، ص ۴۹-۵۲) است. نکته قابل توجه در تاریخ اجتماعی همان بعد مقابله آن با تفکر سنتی حاکم بر تاریخ (تاریخ‌نگاری سیاسی) است. در این شیوه، رویکرد تاریخ توده‌ای و مردمی شده و نگاه به لایه‌های زیرین جامعه معطوف می‌شود.

بر پایه این‌گونه تاریخ‌نگاری و اهمیت دوره تاریخی قرن هفتم و نقش تحولات سیاسی آن بر زندگی مردم، در این پژوهش برآنیم تا به کشف کیفیت زندگی اجتماعی شیعیان در ایران و عراق از در نیمه اول قرن هفتم بپردازیم. شیعیان به عنوان بخشی از اقشار جامعه دارای سبک زندگی خاص، آداب و رسوم، باورهای مذهبی، نمادها،

زندگی یک جامعه نیز دست‌خوش دگرگونی می‌گردد. جوامع شیعی نیز از این قانون مستثنا نیست و کم و بیش می‌توان برخی از این عوامل مؤثر در تاریخ اجتماعی شیعه در آغاز قرن هفتم را در منابع تاریخی یافت. در این زمان نقش مذهب، نظام ارتباطی علما و مردم و هجوم قوم مغول از عوامل و مؤلفاتی هستند که در شکل‌گیری تاریخ اجتماعی شیعه نقش بسزایی داشته‌اند. بنابراین، اولین گام برای دستیابی به گزارشی از زندگی اجتماعی شیعیان مشخص شدن جغرافیای سکونتی و فضای شهری آنان است. این امر ما را در شناساندن روحیات و آداب اجتماعی و اعتقادی شیعیان در این محدوده زمانی یاری می‌کند. لازم به یادآوری است که در این تحقیق، منطقه و یا شهر خاصی مدنظر نبوده، بلکه قصد داریم با نگاهی کلی به مناطق شیعه‌نشین، به یک دیدگاه درباره تاریخ اجتماعی دست یابیم.

جغرافیای زیستی شیعه

جغرافیای زیستی شیعیان در این محدوده زمانی شامل خاورمیانه امروزی، ایران و مرکز خلافت اسلامی بوده و شیعیان هر منطقه به زندگی با سبک خاصی در این مناطق مشغول بودند. در هر منطقه و شهری بر اساس نیازها و اتفاقات سیاسی و اجتماعی، تحولاتی در زمینه کالبد شهری صورت می‌گرفت و حتی نوع معماری‌ها دچار تحول می‌شد. بنابراین، برای روشن شدن بحث باید دو امر را مدنظر قرار داد: ابتدا محل سکونت شیعیان و بعد فضای کالبدی شهرهای شیعه‌نشین.

الف. محل سکونت شیعیان

طبق گزارش‌های رحله‌نویسان و دیگر منابع تاریخی، در ایران شهرهای قزوین، خرقان، دستجرد، زهرا (بویین

تاریخ‌نگاری است که بستر اجتماعی رویدادهای تاریخی را به صورت مستقل (به‌مثابه یک رویداد) و یا در پیوند با رویدادهای دیگر به صورت روشمند و معطوف به کشف مورد بررسی قرار می‌دهد.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تاریخ اجتماعی

در زندگی اجتماعی، از جمله سبک زیستن، آداب و رسوم، اموری به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به ایفای نقش و تأثیر می‌پردازند. برای مثال، جامعه‌ای که با یک سلسله باورها و اعتقادات در حال زندگی است، ناگهان از سوی قومی همسایه با دین و مذهب و باورهای متفاوت مورد حمله قرار می‌گیرد و بر آنان پیروز می‌شود؛ قوم پیروز خواسته یا ناخواسته، عقاید و باورهای خود را در جامعه مغلوب ترویج می‌کند. پس از گذشت اندک زمانی، جامعه مغلوب نیز خواسته یا ناخواسته به برخی از باورها و آداب و رسوم میهمان‌گرایش پیدا می‌کند. و یا هنگام مهاجرت گروهی از مردم به منطقه‌ای، به مرور زمان تبادل فرهنگی بین گروه مهاجر و منطقه مهاجرپذیر به وجود می‌آید. این مسئله نمونه‌های بسیاری در تاریخ دارد که روشن‌ترین آنها فتوحات اسلامی است. مسلمانان پس از فتح مناطق جدید، دین اسلام و باورهای خود را به مناطق فتح‌شده هدیه نمودند و مردمان آن مناطق را به این آیین فراخواندند.

از دیگر عواملی که بر شکل‌گیری آداب و رسوم در زندگی جوامع تأثیر می‌گذارد و موجب ایجاد تغییر و تحول در آنها می‌شود و زمینه دگرگونی در گرایش‌های فکری و اخلاقی را فراهم می‌کند، می‌توان به نژاد، دین و مذهب، سرزمین و اقلیم، باورها و اعتقادات، نهادهای غیراجتماعی، ارتباط عالمان دینی با اقشار مختلف جامعه و... اشاره نمود.

با تغییر و یا شدت و ضعف تأثیر این عوامل، سبک

۱۳۷۵، ص ۳۳۷؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۴۳۸). همچنین «ناصر خلیفه عباسی، علاوه بر اینکه به مقابر ائمه اطهار علیهم السلام توجه داشت، به محلات شیعه‌نشین و از جمله محله کرخ بغداد توجه می‌کرد. او در دوران خلافت خود به ساخت بناهایی در محله کرخ اقدام کرد» (سنبط، بی تا، ص ۲۸۲). این گونه گزارش‌های تاریخی علاوه بر اینکه حاکی از کثرت جمعیت شیعیان است، توجه ما را به این نکته مهم معطوف می‌کند که شهرهای شیعه‌نشین چون بغداد و کاظمین، دارای مکتب‌خانه، بیمارستان، موقوفات و نمادهای ویژه شیعیان بودند و فضای کالبدی شهر دچار تحولاتی شده بود که در روند رشد بهداشتی و فکری آنان تأثیر داشته است؛ نیز حکایت از این مطلب بسیار مهم دارد که چگونه دولت و سیاست به عنوان یک عامل اثرگذار در این تحولات بر زندگی اجتماعی شیعیان نقش دارد.

از دیگر گزارش‌ها درباره کالبد شهری شهرهای شیعی از جمله آبه بعد از حمله مغول، آمده است: «اما شهر آبه اگرچه شهری است به صورت کوچک، بحمدالله و المنه بقعه‌ای بزرگوار است از شعار مسلمانی و آثار شریعت مصطفوی و سنت علوی؛ اما در سال ۶۱۷ق پس از حمله مغول همان روستا به ویرانه‌ای مبدل شد و تمام نقاط مهم شهر از جمله مساجد جامع و مدارس علمیه و دیگر مناطق زیبای آن با خاک یکسان گردید و ده‌ها هزار نفر کشته شدند (قزوینی رازی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹).

مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعیان

۱. سبک زندگی

«سبک زندگی» عبارت است از الگویی همگرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی اوضاع اجتماعی، و یا دارایی‌هایی که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه‌ها) در تعامل با شرایط محیطی خود

زهرا)، ابهررود و طالقان، قم، کاشان، اصفهان و خراسان و در برخی از مناطق لبنان و شام و در عراق، شهرهای حله، نجف، کربلا، کاظمین، سامراء و بغداد (ر.ک: مظفر، ۱۳۷۹) محل سکونت شیعیان بوده است.

بیشتر مورخان، به علت حضور دستگاه خلافت، حضور شیعیان و نزاع‌های صورت‌گرفته بین شیعه و سنی، شهر بغداد را محور نگارش تاریخ خود قرار داده‌اند؛ چنان‌که در گزارشی آمده است: «در زمان ناصر، خلیفه عباسی، بغداد مملو از نیروهای شیعی بوده که هریک در ادب و سیاست نقش فعالی داشتند. به طبع، رقابتی سخت نیز میان سنیان و شیعیان وجود داشته است» (بیانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱).

به نظر می‌رسد علاوه بر این مناطق، در دیگر شهرهای بلاد اسلامی شیعیان حضور داشته‌اند؛ اما مورخان در تلاش برای ثبت وضعیت آماری و اجتماعی شیعیان نبوده‌اند؛ زیرا اکثر مورخان به ثبت وقایع سیاسی می‌پرداختند.

ب. فضای شهری شهرهای شیعه‌نشین

در این دوره زمانی مثل هر زمان دیگری به طور قطع فضای کالبدی شهرهای شیعیان دارای ویژگی‌هایی است که با شهرهای سرزمین اسلامی تفاوت دارد و حاکی از وجود الگوی رفتار جمعی شیعیان است. این تفاوت در کثیری از موارد بر اثر مباحث اعتقادی حاصل شده است. برای نمونه، *نخجوانی در تجارب السلف* می‌نویسد: «مؤیدالدین قمی وزیر شیعی عباسیان به حال شیعیان توجه خاصی داشت و به آنان بخشش می‌کرد. او به مشهد کاظم (کاظمین) بیمارستانی ساخت و ادویه و اشربه و معاجین مرتب گردانید. و آن را بر اهل مشهد وقف کرد. هم آنجا مکتبی و دارالقرآنی بنا فرمود، جهت ایتماء علویان (شیعه) مشهد تا در آنجا خط و قرآن آموزند» (نخجوانی،

است. این نوع جابجایی و مهاجرت شیعیان به دلیل مسائل اعتقادی و سیاسی متمایز از دیگر فرق است. لازم به ذکر است که بیشتر مهاجرت‌های شیعیان به مناطقی بوده که تشیع قدرت مانور مذهبی داشته است. از جمله مناطق مهاجرپذیر می‌توان به لبنان، عراق و ایران اشاره کرد. برای مثال، شکل‌گیری حکومت‌های شیعی در مناطق مختلف سرزمین‌های اسلامی همانند علویان طبرستان، فاطمیان مصر و ادریسیان مغرب، محصول این جابجایی است. انتقال امام رضا علیه السلام به مرو نیز موجب مهاجرت تعدادی از شیعیان شد و در راستای این جابجایی تحولاتی در آداب اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ساکنان آن منطقه به وجود آمد. نیز می‌توان گفت نشر فرهنگ و مذهب تشیع در ایران تا حدی محصول مهاجرت علمای لبنان (فراهانی‌منفرد، ۱۳۷۷، ص ۱۰۰) در دوره صفویه به ایران است. بنابراین، جابجایی همیشه محصول جغرافیا نیست، بلکه گاهی محصول فکر و مهاجرت عقیدتی است. از قرن سوم به بعد سادات بی‌شماری به صورت فردی و گروهی و به دلایل مختلف، از جمله فشار حکومت، تحصیل علم، زیارت و یا کسب و کار، به مناطق دیگر هجرت کردند. مهاجران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گروهی که پس از مهاجرت در آنجا ماندگار شدند و اولاد و اعیان‌شان نیز در آنجا ماندند؛ گروهی که پس از مهاجرت نوادگان آنان دوباره به سرزمین اجدادی خود برگشتند. از جمله مناطق مهاجرپذیر در این دوره، جبل عامل (سعیدی‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸)، ایران (خراسان و قم) و بغداد به عنوان مرکز خلافت اسلامی و اماکن مذهبی و زیارتگاه ائمه اطهار علیهم السلام در نجف، کربلا و سامراء است. علما و طلاب علوم دینی گروه دیگری از این مهاجران بودند که برای تحصیل علم به نجف، حله و جبل عامل می‌رفتند. حمله مغول (قزوینی رازی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹) نیز

انتخاب و یا ابداع می‌کند. سبک زندگی انسان‌ها دارای مؤلفه‌هایی همچون شیوه تغذیه، خودآرایی، پوشاک، مسکن (معماری، دکوراسیون، اثاثیه منزل و...)، حمل و نقل و وسایل این کار، شیوه گذران اوقات فراغت و رفتارهای اجتماعی فرد در بیان احساسات، عاطفه و خواسته‌ها، می‌باشد.

تصویر کلی حاصل شده از منابع، نشانگر آن است که گروه‌های گوناگون قومی و اجتماعی در زمان عباسیان برای خود سبک زندگی مشخصی داشتند. برای نمونه، جامه‌های گروه‌های گوناگون اجتماعی در آن زمان را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: پوشش، سر و تن پوش، پاپوش. بیشتر جامه‌ها برای همه اصناف مردم یکسان بود و تنها در رنگ و طرح و جنس و پارچه از هم بازشناخته می‌شدند (مناظر احسن، ۱۳۶۹، ص ۵۴).

پوشاک مشخص‌کننده پایگاه اجتماعی، حرفه و شغل، جنسیت و حتی دین و گرایش‌های قومی است. لباس و پوشش انسان، نمادهای غیرزبانی هستند که معرف شیوه سبک زندگی و شخصیت افراد در زندگی اجتماعی هستند و هر گروه جامعه را از گروه دیگر بازشناسی می‌کند.

لازم به ذکر است که درباره سبک و شیوه زندگی اجتماعی شیعیان در این دوره زمانی به دلیل کم‌اهمیت بودن آن نزد مورخان، حتی اشاره کوتاهی دیده نمی‌شود تا بتوانیم مصادیق تفاوت رفتاری بین شیعه و دیگر اقشار را از هم نشان دهیم؛ اما به طور قطع با توجه به تفکرات و مبانی اعتقادی و پراکندگی تشیع در مناطق مختلف، مؤلفه‌های سبک زندگی آنان با دیگران تفاوت داشته است.

۲. مهاجرت سادات و شیعیان به مناطق مختلف

جابجایی و مهاجرت شیعیان به مناطق مختلف در دوره‌های تاریخی بر اثر عوامل گوناگون صورت گرفته

۳. روابط اجتماعی شیعیان با دیگر مذاهب

اوایل قرن هفتم در سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران و عراق، مذاهب مختلفی همانند شیعیان و چهار فرقه از اهل سنت در مناطق مختلف و گاهی در کنار همدیگر زندگی می‌کردند. در برخی مناطق، شیعیان با دیگر اقشار جامعه بغداد تعامل داشته و در کنار آنان زندگی می‌کردند و گاهی نیز بر اثر عوامل مختلف در برخی مناطق از جمله محله کرخ بغداد، تنش‌هایی میان آنها به وجود می‌آمد. بر همین اساس، باید بررسی شود که همزیستی و عدم ارتباط معیشتی و معاشرتی شیعیان با اهل سنت تحت تأثیر چه عواملی و شرایطی صورت گرفته است؟

برخی گزارش‌های تاریخی، از وجود درگیری مقطعی بین شیعیان و اهل سنت در محله کرخ بغداد حکایت می‌کنند که در برخی موارد حتی به قتل و کشتار بین آنان منجر شده است (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۷۷۸). نفوذ تشیع در دستگاه اداری بنی‌عباس در اواخر عمر خلافت به اندازه‌ای بود که بسیاری از وزرای آنان شیعه بودند و حتی آخرین خلیفه عباسی (المستعصم)، مؤیدالدین بن علقمی شیعی را به وزارت انتخاب کرد که تا هنگام سقوط بغداد و کشته شدن خلیفه همچنان وزیر او بود (همان). اما در عین حال، به نظر می‌رسد علاوه بر وجود اختلافات عقیدتی میان شیعه و سنی در مباحث کلیدی، در تشکیلات خلافت، عناصری از سنیان نیز بودند که با تحریک خلیفه، وی را به چرخش عقیده علیه شیعیان وامی‌داشتند.

از جمله این موارد، گزارش درگیری میان شیعیان و اهل سنت در سال ۶۰۳ و ۶۴۱ قمری بوده است. ابن خلدون درباره این درگیری می‌نویسد: «در سال ۶۴۱ قمری همچنان آتش فتنه میان شیعه و سنی شعله‌ور بود و از دیگر سو، میان حنبلیان و دیگر مذاهب اختلاف وجود

سبب پراکندگی و آوارگی شمار زیادی از عالمان، شیعیان و ادیبان شد. این هجوم از جهتی خسارت بزرگی برای ایران و شیعیان منطقه بود؛ ولی از جهات دیگر سبب شد تا فرهنگ اسلامی و ایرانی و ادبیات فارسی در نقاط مختلف از جمله هند و آسیای صغیر توسعه یابد. در برخی موارد، مهاجرت شیعیان با هدف و انگیزه ترویج و دفاع از شیعه و انگیزه‌های خاص صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به سفر عمادالدین طبری اشاره کرد. وی پیش از سال ۶۷۲ در قم اقامت داشته و پس از آن در اصفهان می‌زیسته است. گفته شده وی به دعوت محمد جوینی برای بحث با سنیان به اصفهان آمده است (طبری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳؛ جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۴۳).

در گزارش دیگری درباره مهاجرت شیعیان، آمده است که ابن مهدي وزير عباسيان در اين دوره زماني پس از تصرف ری توسط ابن‌قصاب به بغداد آمده بود. وی از نسل قاسم بن حسن از سادات حسنی و زادگاهش مازندران و اصالتش از ری بود (نخجوانی، ۱۳۵۷، ص ۳۰۰-۳۴۰). نیز محمد بن محمد مؤیدالدین قمی که اهل قم بود، و در آنجا به دنیا آمد، در سال ۶۳۰ قمری وارد بغداد شد (ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۴۳۸). همچنین ابوالسعادات اسعد بن عبدالقاهر شافریه اصفهانی از عالمان قرن هفتم هجری در مقطع حمله مغولان، به گونه‌ای رفتار می‌کند که بوی همکاری با آنان را ندهد. این در حالی است که موقعیت مهمی در شهر داشته و در نهایت پس از وانهادن همه چیز، به سمت عراق عرب و مشهد امیر مؤمنان علیه السلام می‌رود.

نتیجه این جابجایی و مهاجرت‌ها این است که در بین دو گروه از مهاجران و مناطق مهاجرپذیر، یک نوع تعامل و تبادل فرهنگی به وجود می‌آید که حتی در برخی موارد، بر شیوه‌های زندگی مردم تأثیر گذاشته و موجب تغییر آنها می‌شود.

زیرمجموعه با حاکم اسلامی، به طور مستقیم است و نه به صورت پلکانی و طبقاتی. بنابراین، در نوع ارتباط میان شیعیان با علمای دین ابهامی وجود ندارد. اما ارتباط علما و امامان شیعه علیهم‌السلام در هیچ مقطعی با گروه‌های سیاسی، امرا و حاکمان سیاسی، سلبی نبوده است. رابطه آنان با این گروه‌ها در هر دوره‌ای وجود داشته و علما از این ارتباط برای خدمت‌رسانی به شیعیان و دفاع از حقوق آنان و ترویج فرهنگ شیعی بهره برده‌اند؛ زیرا کانون تولید و ثروت نقش مهمی در سرنوشت سیاسی و اقتصادی شیعیان دارد. این ارتباط، چه در عصر آل‌بویه و چه در عصر صفویه و دیگر حکومت‌ها برقرار بوده است.

در عهد مغول نیز همانند دوره‌های قبل، فقها و اندیشمندان شیعه با ایلخانان ارتباط برقرار نمودند تا در مدیریت شیعیان نقش داشته باشند. در این دوره، مناصب شرعی وجود داشت که تعدادی از این مناصب‌ها ویژه شیعیان بود و شیعیان در اداره آن نقش داشتند؛ از جمله: حکومت و تولیت اوقاف، که منصبی شرعی بود و در رأس متولیان، حاکم یا متصدی اوقاف ممالک قرار داشت؛ نقیب سادات که متصدی آن باید در صحت انساب سادات مراقبت کند؛ مدرسی؛ فقاہت؛ خطابت و خطیبی، که به تلاوت قرآن و ذکر خطبه و حدیث در مسجد جامع شهر می‌پرداخت (مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸۰).

ارتباط شیعیان در ساختار اجتماعی خود بیشتر با نقیبان و علما صورت می‌گرفت. کار عمده علما در این دوره با توجه به تسامح دینی مغول‌ها و ضعف قدرت عباسی، نگارش و تدوین کتب فقهی و پاسخ‌گویی به مسائل شرعی و اعتقادی شیعیان، وعظ و خطابه بود.

۴-۱) **نقابیت:** تمییز انساب جعلی از واقعی و اداره مقابر و مشاهد (مکان شهادت) امامان شیعه علیهم‌السلام و نظارت بر امور

داشت. گاه این نزاع‌ها میان مذاهب همچون شیعه و سنی در باب امامت و متعلقات آن بود» (همان، ج ۲، ص ۸۳۱؛ یعقوبی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷).

درباره تحریک خلفا و نقش صاحب‌منصبان در اختلافات عقیدتی، ابن‌خلدون چنین گزارش می‌دهد: «اهل سنت با ساکنان محله کرخ دشمنی داشتند. خلیفه و دوات‌دار نیز آنان را یاری می‌کرد تا بر ساکنان منطقه کرخ حمله و هجوم کنند» (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۷۷۸). «در کشاکش حمله مغول به ایران، اختلافات مذهبی به شکلی دیگر بروز کرد. شیعیان اثناعشری و اسماعیلیان و اهل سنت، هر کدام به گونه‌ای مخالفت با یکدیگر را در پذیرفتن ایل مغول یا مقابله و سعایت از رقبای مذهبی و تحریک مغولان علیه فرقه مخالف خود، نشان دادند. مردم ری و قم قربانی این اختلافات شدند» (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳). مدیریت شیعیان نقش داشته باشند. در این دوره، مناصب شرعی وجود داشت که تعدادی از این مناصب‌ها ویژه شیعیان بود و شیعیان در اداره آن نقش داشتند؛ از جمله: حکومت و تولیت اوقاف، که منصبی شرعی بود و در رأس متولیان، حاکم یا متصدی اوقاف ممالک قرار داشت؛ نقیب سادات که متصدی آن باید در صحت انساب سادات مراقبت کند؛ مدرسی؛ فقاہت؛ خطابت و خطیبی، که به تلاوت قرآن و ذکر خطبه و حدیث در مسجد جامع شهر می‌پرداخت (مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸۰).

۴. ساختار اجتماعی شیعه

نوع روابط اجتماعی شیعیان با هم در ساختار اجتماعی چگونه است؟ این یک سؤال اساسی است که در این بحث باید به آن پاسخ داد؛ زیرا توجه به ساختار اجتماعی در فهم زندگی شیعیان اهمیت زیادی دارد و نکات قابل توجهی از جوهر زندگی مردم را روشن می‌سازد.

در ساختار اجتماعی مخصوص شیعیان، ارتباط

از جمله آنان است، دانشمند نیکوکار مجددالدین، و دو سید بزرگوار یعنی رضی‌الدین و غیاث‌الدین است، که این دو در عصر مغول نقیب طالبیین در عراق بودند (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۰۵؛ شیبی، ۱۳۵۹، ص ۱۰۵).

این اندیشمندان علاوه بر فقاقت و زعامت دینی، به امور سیاسی، تربیت طلاب، وعظ و خطابه نیز مشغول بودند. سرآمد این بزرگان که در رشد و اعتلای تشیع تلاش زیادی به خرج داد، خواجه نصیرالدین طوسی است. وی پیشوای فلسفه و کلام بود. او همان کسی است که در زمان هلاکوخان سرپرستی اوقاف ممالک مغول‌ها را در اختیار داشت (مظفر، ۱۳۷۹، ص ۳۰۵).

در این میان، وجود خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷) در کنار هلاکو، که در کاهش تلفات و جلوگیری از انهدام آثار اسلامی نقش بسزایی داشت و نیز ساخت رصدخانه و تدوین زیچ ایلخانی امری است که تاریخ، گواه صدق آن و شاهدی بر تأیید آن است. خواجه نصیر، حرمتی بسیار و منزلتی عالی نزد هلاکو داشت و آنچه را او بدان اشاره می‌کرد متابعت کرده و اموال را در آن صرف می‌نمود. از این به بعد بود که کار خواجه آغاز شد. از مهم‌ترین اقدامات او می‌توان به احداث کتابخانه‌ها، احیای علوم اسلامی و تربیت عالمان اشاره نمود (ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۴۵۳).

دیگر عالمانی همچون سیدبن طاووس نیز در جهت پیشبرد امور شیعیان با حکومت و اقشار مختلف جامعه ارتباط داشتند تا امور اجتماعی، دینی، سیاسی و معیشتی شیعیان دچار اختلال نشود.

نتیجه آنکه علما و دانشمندان با قدرت و نفوذ خود در ساختار اجتماعی توانستند با مسئولیت‌پذیری در توجه به شیعیان، در شیوه و سبک زندگی آنان نقش مهمی را ایفا کنند.

مشاهد و جلوگیری از بازداشت پناهندگان به مشاهد و حفاظت از آنان بر عهده نقیب بود. نقابت در شهرهای مختلف وجود داشته است. در زمان ناصر خلیفه عباسی نقابت علویان به صورت گسترده‌ای در تمام عراق وجود داشته است (ابن‌احمد، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۵۰۶)؛ چنان‌که طبق گزارش‌های تاریخی، در سال ۶۰۳ قمری فخرالدین ابوالحسن محمدبن عدنان‌بن مختار علوی، به نقابت طالبیان منصوب شد (همان، ج ۳، ص ۱۷۰).

از خاندان مختار، شخص دیگری به نام عدنان‌بن معمر بن عدنان مختار علوی، در ابتدای خلافت ناصر به نقابت مشهد موسی‌بن جعفر علیه السلام منصوب شد. مستنصر منصب نقابت علویان را به قوام‌الدین ابوالحسن بن معد موسوی، سپرد. سپس او را عزل کرد و قطب‌الدین ابوعبدالله حسین بن اقساسی را به این مقام نصب کرد و او تا پایان عمر در این شغل بود (ابن فوطی، ۱۳۸۱، ص ۹۵). نیز در سال ۶۴۵ قمری تاج‌الدین حسن بن مختار منصب نقابت طالبیین را یافت و پسرش علم‌الدین اسماعیل به نقابت مشهد علی علیه السلام رسید (همان، ص ۱۳۷). همچنین براساس گزارش دیگری، در عجم سیدی بزرگوار بود و از قم، با حشمتی ظاهر و ریاستی زاهر او را عزالدین مرتضی گفتندی و نقابت بلاد عجم داشت و نصیرالدین بن مهدی (وزیر ناصر عباسی) نیابت او می‌کرد (نخجوانی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۳).

۴-۲) فقاقت و زعامت: یکی از درخشان‌ترین عصرهای تشیع، عصر حکومت ایلخانان در ایران بوده است؛ زیرا شیعیان در این عصر نسیم آزادی را احساس کردند، و علما به صورت علنی به مناظره و مجادله با پیروان مذاهب دیگر می‌پرداختند. این عصر به علمای برجسته‌ای افتخار می‌کند که نظیر آنان در کمتر عصری به چشم می‌خورد. آل‌سعید، که از جمله آنان محقق، صاحب کتاب *شرائع الاسلام*، علامه *حلی*، پدر و پسر او؛ آل‌طاووس، که

۵. باورها و اعتقادات شیعیان

به زیارت قبور ائمه می‌رفتند تا معجزاتی را ببینند. جایگاه معرفتی مشهد اهل بیت علیهم‌السلام حتی در حاکمان عباسی نیز تأثیرگذار بود، به گونه‌ای که ناصر عباسی برای مشهد موسی بن جعفر علیه‌السلام احترام زیادی قایل بود. وی در سال ۶۰۶ قمری دستور داد در و شبکه‌ای از چوب ساختند و در سرداب سامرا و بر قبه ائمه مدفون در آنجا نصب کردند (طهرانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۳؛ ابن فوطی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲). کثیری از علویان و حتی غیرعلویان مردگان خود را در کنار بارگاه ملکوتی ائمه عراق دفن می‌کردند. برای نمونه، جنازه دختر بدرالدین، صاحب موصل، را پس از نماز خواندن، تا مشهد موسی کاظم علیه‌السلام تشییع کردند و در کنار پسرش در ایوان مقابل آستان مقدس به خاک سپردند (ابن فوطی، ۱۳۸۱، ص ۶۲).

در گزارشی دیگر آمده است که مؤیدالدین قمی روزی سوار شد تا به زیارت موسی بن جعفر علیه‌السلام رود. نیز زمانی دختر یکی از سلاطین عجم برای زیارت ائمه اطهار علیهم‌السلام به عراق آمده بود و انگشتر یاقوتی خود را در راه زیارت مرقد موسی بن جعفر علیه‌السلام گم کرده بود. مؤیدالدین قمی وزیر خلیفه عباسی، با تلاش فراوان انگشتر را پیدا کرد و به صاحب آن بازگرداند (نخجوانی، ۱۳۵۷، ص ۳۴۰).

در برخی موارد، شیعیان برای شفای مریض خود و یا اهدای نذورات و یا برپایی مراسم مربوط به ظهور امام زمان، به اماکن مقدس رفته و با توسل در آن مکان ساکن می‌شدند. ابن‌کثیر در گزارشی چنین می‌نویسد: «ابوالسعادات حلی تاجر بغدادی شیعی در هر جمعه در سرداب سامرا منتظر خروج صاحب الزمان یعنی محمدبن الحسن العسکری بود؛ تا اینکه با سیف قیام کند و مردم او را یاری کنند» (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۳، ص ۴۳). این نوع رفتارها، حاکی از وجه تمایز سبک زندگی اجتماعی شیعه

آیا می‌توان میان نوع رابطه هویت‌های قومی و هویت‌های اعتقادی رابطه برقرار کرد؟ با توجه به پراکندگی شیعیان در سراسر دنیا و ثقل جمعیتی تشیع در ایران، لبنان، عراق و دیگر مناطق با قومیت‌های موجود در آن، آیا این پراکندگی شیعیان یک نوع پیوندی بین گرایش‌های شیعی و هویت‌های ملی و منطقه‌ای و قومی دارد یا نه؟ این موضوع شایسته بررسی است. آنچه قابل عنایت است، نوع زندگی شیعیان در مناطق پراکنده و نوع کنار آمدن آنان با محیط‌های مختلف است و آنچه بدون تردید قابل مشاهده است، اینکه تشیع در مقایسه یک منطقه با منطقه دیگر یک وجه اشتراک دارد و یک وجه افتراق. وجه افتراقات به خاطر قومیت‌هاست و همین تمایز و تفاوت قومی می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. اما از نظر اعتقادی، شیعیان به اصولی مشترک معتقدند و از آنها دفاع می‌کنند. در ذیل به نمونه‌هایی از این باورها و اعتقادات اشاره می‌شود.

۵-۱) فضائل نویسی: جمع‌آوری فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در شهر اصفهان در قرن ششم و نیمه نخست قرن هفتم، حرکت جدیدی بود که سابقه طولانی نداشت. برخی از محصولات این حرکت بر جای مانده و برخی هم از میان رفته است. یکی از آثاری که در زمینه فضائل اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس مکتب اصفهان در این دوره نوشته شده، کتاب *مطلع الصباحتین و مجمع الفصاحتین* از ابوالسعادات اسعدبن عبدالقاهر شفره اصفهانی از عالمان قرن هفتم هجری است. این کتاب حاوی فضائل امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام و به طور خاص، مشابهت سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرمؤمنان علی علیه‌السلام است که در شانزده باب تدوین گردیده و باب اخیر آن درباره دعاست.

۵-۲) زیارت و توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام: از جمله اعتقادات شیعیان توجه به قبور و مشهد ائمه اطهار علیهم‌السلام است. زوار،

با دیگر فرق و مذاهب، به‌ویژه در حله است.

یکی دیگر از نمادهای مذهبی شیعیان، مکان‌های مقدسی بودند که تقدس آنها، موجب نگاه عقیدتی شیعه به این امکان می‌شود؛ برای مثال، مسجد برائثا در بغداد دارای تقدس خاصی است. شیعیان نسبت به مسجد بازار برائثا یا عتیقه به دیده تقدیس می‌نگریسته و آن مسجد را مورد تعظیم قرار می‌داده‌اند؛ زیرا به گمان آنان، امیرمؤمنان علی علیه السلام در آن مسجد نماز گزارده است (خطیب بغدادی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰۵). این مسجد به دلیل جایگاه خاصش، در این دوره تاریخی نیز مورد احترام شیعیان بوده و در آن، علاوه بر برپایی نماز جماعت، دیگر مراسم مذهبی مخصوص شیعیان نیز برگزار می‌شده است.

۳-۵) مراسم عزاداری سیدالشهداء علیه السلام: از دیگر اعتقادات مذهبی شیعه در نیمه اول قرن هفتم، برپایی مراسم و آیین‌های مذهبی در مناطق مختلف به‌ویژه اماکن مقدس بود. چنان‌که در گزارشی، خلیفه عباسی در سال ۶۴۸ق اهل کرخ و مختاره را از نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایي و قرائت مقتل در روز عاشورا منع کرد، مگر در حرم امام موسی کاظم علیه السلام، و این از بیم آن بود که به وقوع فتنه‌ها منجر شود (غسانی، ۱۳۹۵ق، ص ۵۸۵؛ ابن‌فوطی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۵). مولانا جلال‌الدین محمد رومی نیز در قرن هفتم درباره عزاداری مردم شیعه حلب ابیاتی را سرورده است که در بخشی از آن، به عزاداری شیعیان در این منطقه اشاره رفته است (مولانا، ۱۳۸۲، ص ۸۳۹):

روز عاشورا همه اهل حلب

باب انطاکیه اندر تا به شب

گرد آید مرد و زن جمعی عظیم

ماتم آن خاندان دارد مقیم

بشمرند آن ظلم‌ها و امتحان

کز یزید و شمر دید آن خاندان

نعره‌هاشان می‌رود در ویل و وشت

پرهمی گردد همه صحرا و دشت

نکته قابل تأمل در گزارش جلال‌الدین بلخی، شرکت

زنان و مردان در مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام است.

در این روز شیعیان به ذکر مصیبت خاندان رسالت

پرداخته و از ظلم و ستم ظالمانی همچون یزید و شمر با

شیوه منبر و شعر، سخن به میان آورده‌اند. از این

گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید که برنامه عزاداری و

سوگواری برای امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام در محله‌های

شیعه‌نشین و قبور ائمه علیهم السلام برگزار می‌شده و شیعیان از این

راه برای تبلیغ و نشر فرهنگ شیعه استفاده کرده‌اند.

۶. مذاهب و فرق

در اوایل قرن هفتم قمری دو مکتب عرفانی وجود داشت،

که عده‌ای از مشایخ بزرگ به هریک از این دو نسبت

داشتند. یکی سلسله کبرویه در شرق ایران و دیگری سلسله

سهروردیه در غرب. رؤسا و پیروان این دو سلسله بزرگ در

قرن هفت و هشت هجری قمری در ایران شهرت بسزایی

داشتند و نه تنها در تصوف ایران، بلکه در زندگی جامعه نیز

به شدت مؤثر بودند (مجموعه مقالات، ۱۳۷۹، ص ۵۷۱).

عرفان و تصوف که از سده‌های پیش از قرن ششم

هجری قمری کاملاً رشد کرده و قویاً ریشه دوانیده بود،

در همان آغاز در برابر حملات مغولان کاملاً خشک نشد

و تا حدی در این دوره ثمره خود را به منصف ظهور

رسانید. به عبارت دیگر، بقایای علما و دانشمندان و

بخصوص عرفا و صوفیان سده پیشین هنوز موجود بودند.

قدرت مشایخ صوفیه تا حدی بود که شیعیان نیز که به

سختی مقاومت می‌کردند به تدریج تحت تأثیر آموزه‌های

عرفانی و صوفیانه قرار گرفتند. تصوف در این دوره رنگ

فلسفی به خود گرفته بود (جعفریان، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۶۵).

شیعه تدریس بود. عمق اصلی فعالیت آنان مدیریت فقهی و سیاسی شیعیان بود. در میان منابع تاریخی درباره تلاش اجتماعی شیعیان در زمینه فرهنگی می‌توان به تدریس اشاره کرد. چنان‌که در سال ۶۴۹ قمری شرف‌الدین اقبال شرابی، عمادالدین علوی را به تدریس در مدرسه واسط برگماشت (ابن فوطی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹).

۷-۴) تجارت: تجارت از ضروریات زندگی اجتماعی برای هر قوم و ملتی است. شیعیان نیز در تجارت، با توجه به وضعیت سیاسی حاکم بر مناطق مختلف اسلامی، تلاشی درخور حال خویش داشتند. گاهی این تلاش اقتصادی حتی از سوی علما صورت می‌گرفت. چنان‌که ابن‌کثیر گزارش می‌دهد: «ابوالسعادات الحللی تاجر بغدادی شیعی در هر جمعه در سرداب سامرا منتظر خروج صاحب‌الزمان بود» (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱۳، ص ۴۳). و یا در گزارش دیگری، مردم حله که اکثراً شیعه بودند، از بهبود اوضاع اقتصادی خود در راه رشد فرهنگ و ترقی دادن آن سود می‌بردند. آنان کالاهای خوراکی را به بغداد حمل می‌کردند و از درآمد آن، کتاب‌های نفیسی می‌خریدند (عزوی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۵).

نتیجه‌گیری

تاریخ اجتماعی شیعیان در نیمه اول قرن هفتم دارای فراز و نشیب بوده و مؤلفه‌های خاص خود را داشته است. در این بررسی آنچه یافت شد، گزارش‌های محدودی درباره برخی آداب و رسوم، اعتقادات، مهاجرت اعتقادی و سیاسی شیعیان، حرکت فکری و فرهنگی علما و رجال شیعه در حفاظت میراث شیعیان با پذیرش منصب نقابت و مرجعیت دینی و سیاسی، تعلیم و تربیت شاگردان دینی بود؛ زیرا نوع نگارش متون تاریخی در این زمان، در توجه به زندگی اجتماعی و لایه‌های زیرین جامعه نیست، بلکه در پی نقل

از دیگر فرقه‌های این دوره که دارای قدرت نظامی نیز بودند می‌توان به اسماعیلیان اشاره کرد که در مناطق مختلف ایران دارای قلعه‌های نظامی بودند. فرقه اسماعیلیه در ایران همواره با خلفای عباسی در حال مبارزه بودند و حکام مغول را به رسمیت نمی‌شناختند، از این رو، عباسیان و سپاه مغول آنان را از سر راه برداشتند. این‌اثیر نیز ذیل سال ۶۰۰ قمری گزارشی از کشته شدن اسماعیلیان قائن از توابع خراسان می‌دهد؛ زیرا عباسیان تصمیم گرفته بودند قلعه‌های اسماعیلی را نابود کنند (ابن‌اثیر، ۱۳۹۸ق، ج ۹، ص ۲۶۳).

۷. حرفه و مشاغل شیعیان

از دیگر مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی حرفه و شغل مردمان است. شیعیان با تقید و اعتقادی که داشتند و یا به خاطر فتوای فقیه خود، در برخی مشاغل مشارکت نمی‌کردند. از نمونه مواردی که در لابه‌لای منابع به دست می‌آید، به حرفه‌های اندکی از شیعیان اشاره رفته است؛ اما پرواضح است که در این زمان نیز شیعیان همانند دیگر اقوام و مذاهب در علوم و حرفه‌های مختلفی فعالیت داشته‌اند. در ذیل، به برخی از حرف و مشاغلی که شیعیان در سبک زندگی خویش داشته‌اند، اشاره می‌رود:

۷-۱) کتابت: مؤیدالدین قمی شیعه هر دو فن کتابت درج و دستور، خوب نوشتی و در هر دو شیوه ماهر بود. وی حافظ اشعار زیبا و راوی اخبار جالب بود (نخجوانی، ۱۳۵۷، ص ۳۳۶؛ ابن‌طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۴۳۸).

۷-۲) نقابت و وزارت: ناصر عباسی، نصیرالدین مهدی شیعی، وزیر خود را از مقربان گردانید و عمل نقابت طالبیان فرمود و بعد از اندک زمانی نیابت وزارت به او فرمود (همان، ص ۳۳۳).

۷-۳) تدریس: یکی از شئون اصلی علما و اندیشمندان

اهمّ مسائل سیاسی و شخصیت‌های تأثیرگذار است. نکته قابل توجهی که این زمان را از بقیه زمان‌ها متمایز می‌نماید و در آن اتفاق مهمی می‌افتد، حمله چنگیزخان مغول به سرزمین اسلامی است. این حکومت برخاسته از شرق اسلام بر تمام سطوح زندگی مردمان از تمام فرقه‌های ساکن در سرزمین اسلامی سایه افکند و حتی زندگی اجتماعی شیعیان را تحت الشعاع قرار داد و باعث گردید که برخی از شیعیان به مناطق مختلف مهاجرت کنند.

منابع

ابن اثیر، علی بن عبدالواحد الشیبانی، ۱۳۹۸ق، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر.

ابن احمد، کمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۴۱۶ق، *مجمع‌الاداب فی معجم‌الاقاب*، تحقیق محمدکاظم، قم، مؤسسه الطباعة و النشر و وزارة الثقافة الاسلامی.

ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۶۳، *العبر فی التاریخ*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

ابن طقطقی، محمدبن علی بن طباطبا، ۱۳۶۰، *تاریخ الفخری*، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، چ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق احمد شیبانی، ۱۳۸۱، *الحوادث الجامعه*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ابن کثیر، ابوالفداء، ۱۴۰۷ق، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر.

بهرامی، روح‌الله، بی تا، *مکتب آنال، جامعیت فکر تاریخ نگاری*، شیراز، نوید.

بیانی، شیرین، ۱۳۶۷، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

ترکمنی آذر، پروین، ۱۳۸۳، *تاریخ سیاسی شیعیان اثنا عشری*، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.

جعفریان، رسول، ۱۳۷۸، *تاریخ ایران اسلامی*، تهران، کانون اندیشه جوان.

—، ۱۳۸۰، *تاریخ تشیع در ایران*، چ سوم، قم، انصاریان.

جولیوس، گولد و ویلیام کولب، ۱۳۷۶، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، مازیار.

خطیب بغدادی، احمدبن علی، ۱۴۰۷ق، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.

سعیدی زاده، رضا، ۱۳۸۴، «رو به سوی جبل عامل؛ کندوکاوی در مهاجرت سادات و خاندان‌های بزرگ سیادت»، *شیعه‌شناسی*، ش ۹، ص ۱۳۵-۱۵۰.

سنبط، عبدالرحمن، بی تا، *مختصر من سیرالملوک*، تصحیح مکی سید جاسم، بغداد، مکتب المثنی.

طبری، عمادالدین، ۱۳۷۶، *تحفة‌الایار*، تهران، میراث مکتوب.

طهرانی، شیخ آغابزرگ، بی تا، *طبقات اعلام شیعه*، چ دوم، قم، اسماعیلیان.

عزاوی، عباس، ۱۴۱۰ق، *تاریخ العراق بین احتلالین*، قم، شریف رضی.

غسانی، ملک اشرف، ۱۳۹۵ق، *العسجد المسبوک*، بیروت، دارالتراث العربی.

فراهانی منفرد، مهدی، ۱۳۷۷، *مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران*، تهران، امیرکبیر.

قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۸۵، *نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائل الروافض*، تهران، انجمن آثار ملی.

کامل، مصطفی الشیبی، ۱۳۵۹، *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.

مجموعه مقالات اولین سمینار تاریخی، ۱۳۷۹، *هجوم مغول به ایران و پیامدهای آن*، تهران دانشگاه شهید بهشتی.

مظفر، محمدحسین، ۱۳۷۹، *تاریخ شیعه*، ترجمه سیدمحمدباقر حاجتی، چ پنجم، قم، نشر فرهنگ اسلامی.

مناظر احسن، محمد، ۱۳۶۹، *زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی.

مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی، ۱۳۸۲، *مثنوی معنوی*، تحقیق توفیق سبحانی، چ سوم، تهران، روزنه.

نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، ۱۳۷۵، *تجارب السلف*، تصحیح عباس اقبال، چ سوم، تهران، طهوری.

یعقوبی، محمدطاهر، ۱۳۸۵، *شیعیان بغداد*، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.